

**The Perspective of the Novel World Civilization
from the Viewpoint of Ayatollah Khamenei**

Received: 2022/05/28

Accepted: 2022/09/12

Mohammad Malekzadeh;

(254-276)

The ideal system and perspective of the novel world civilization considered by Ayatollah Khamenei in international relations can be divided in two stages: The first stage is the formation of a desirable world order via international integration and the establishment of a global society in which its citizens can live in the shadow of justice and security as much as possible. Ayatollah Khamenei refers to interaction and integration with other countries and the global society as one of the principles of diplomacy of the Islamic Republic, especially in the second step of the revolution. However, their convergence in the global society, from his viewpoint, is achieved when human beings live together in a just conciliation. In the second stage, the desired world order is achieved through the formation of a novel Islamic civilization and the establishment of the global government of justice of the Mahdi (aj). This stage is the formation of a single global government and the realization of a long-standing human desire for evolution and progress along with the expansion of human justice, spirituality and dignity. The reflection of this great ideal can be sought in various forms across all divine religions and Islamic schools of thought. The result of the movement of the world towards the good of human beings will be the formation of a united, advanced and civilized world with the establishment of the state of truth, a government that will eventually be realized by laying the groundwork despite opposition from the arrogant powers of the world.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Islamic civilization, international relations, desirable world order.



چشم‌انداز تمدن نوین جهانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دامنه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

محمد ملک‌زاده*

(۲۷۶-۲۵۴)

چکیده

نظام آرمانی و چشم‌انداز تمدن نوین جهانی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای در روابط بین‌الملل را در دو مرحله می‌توان مورد توجه قرار داد: مرحله اول شکل‌گیری نظم مطلوب جهانی از طریق هم‌گرایی بین‌المللی و تأسیس جامعه جهانی است که شهروندان آن حتی‌المقدور در سایه عدالت و امنیت زندگی کنند. آیت‌الله خامنه‌ای به تعامل و هم‌گرایی با کشورها و جامعه جهانی به‌عنوان یکی از اصول دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه در گام دوم انقلاب اشاره دارند. اما هم‌گرایی مورد نظر ایشان در جامعه جهانی زمانی تحقق می‌یابد که انسان‌ها در صلحی عادلانه کنار هم زندگی کنند؛ در مرحله دوم نظم مطلوب جهانی از طریق شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تأسیس حکومت عدالت‌گستر جهانی مهدوی علیه‌السلام تحقق می‌یابد. ویژگی‌های این مرحله شکل‌گیری دولت واحد جهانی و تحقق آرزوی دیرین بشری مبنی بر تکامل و پیشرفت همراه با گسترش عدالت، معنویت و کرامت انسانی است. بازتاب این آرمان بزرگ را می‌توان به اشکال گوناگون در تمام ادیان الهی و مذاهب اسلامی جست‌وجو کرد. نتیجه حرکت عالم به سوی خیر و صلاح بشر شکل‌گیری جهانی متحد، پیشرفته و متمدن با تأسیس دولت حق خواهد بود؛ دولتی که به‌رغم مخالفت مستکبران عالم، درنهایت با فراهم کردن شرایط آن تحقق خواهد یافت.

کلیدواژگان: آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن اسلامی، روابط بین‌الملل، نظم مطلوب جهانی.

مقدمه

درک اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمند سیاسی و دینی، و نیز به دلیل جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، بسیار حائز اهمیت و راه‌گشاست. بررسی دیدگاه‌ها و عملکرد آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه سیاست و حکومت، یک منظومه فکری سیاسی منسجم، نظام‌مند و مستقل را نشان داده و توانمندی ایشان در تجزیه و تحلیل دقیق مسائل داخلی و بین‌المللی را به‌اثبات رسانده است. نتایج این پژوهش می‌تواند مدلی جدید از تمدن اسلامی در روابط بین‌الملل را ارائه کند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، دیدگاه‌های سیاسی مقام رهبری دارای ظرفیت گسترده‌ای برای طراحی مدلی از روابط بین‌الملل اسلامی است که می‌تواند تمدن نوین جهانی را تحقق بخشد.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، روابط بین‌الملل در نظم موجود جهانی، در قالب نظام سلطه تعریف می‌شود. هسته مرکزی دکترین سیاسی ایشان، بر هم زدن نظم موجود در بستر شکل‌گیری نظم نوین جهانی و تحول از وضع موجود به وضع مطلوب است که همراه با اصول و راهبردهای لازم جهت رسیدن به این هدف تبیین می‌شود. نظام آرمانی مورد نظر رهبر انقلاب در روابط بین‌الملل در دو مرحله جداگانه قابل تبیین است: مرحله اول شکل‌گیری نظم مطلوب جهانی از طریق هم‌گرایی بین‌المللی و تأسیس جامعه جهانی در پرتو صلح عادلانه، امنیت فراگیر و احترام متقابل انسان‌ها به یکدیگر است؛ در مرحله دوم که می‌توان آن را نتیجه مرحله اول و پس از تحقق آن دانست، نظم مطلوب جهانی از طریق شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تأسیس حکومت عدالت‌گستر مهدوی علیه‌السلام در سرتاسر جهان تحقق می‌یابد.

مفهوم‌شناسی

در ابتدا لازم است مفهوم برخی اصطلاحات مورد استفاده در پژوهش حاضر تبیین شود: **جامعه بین‌المللی**: اصطلاح «جامعه بین‌المللی» دارای مفهومی پویاست که همواره در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل دارای قبض و بسط بوده است. از یک نگاه، جامعه بین‌الملل اصطلاحی است که به گروه وسیعی از مردم و دولت‌های جهان اشاره دارد و به طور

معمول برای دلالت بر وجود یک دیدگاه مشترک به مسائل خاص جهانی از جمله حقوق بشر استفاده می‌شود. نوام چامسکی معتقد است این اصطلاح در تبلیغات غرب بیشتر به ایالات متحده و متحدانش اشاره دارد (-/articles http://www.chomsky.info/ http://www.thenewstribes.com/srael-us-violators-of-international-law-says-؛.htm,2002 noam-chomsky, 14-6-2012). مارتین جک، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه بریتانیایی نیز معتقد است: «امروزه منظور از لفظ جامعه بین‌المللی یعنی غرب؛ نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر. استفاده از این عبارت راهی است برای ستایش غرب برای جهانی کردن آن، و برای اینکه محترم‌تر، بی‌طرف‌تر و پرطمطراق‌تر به نظر برسد» (http://www.theguardian.com/commentisfree/whathellistheinternati 24/Aug/2012). اما مراد نگارنده از این اصطلاح، تأیید برداشت تخصیصی غرب از آن نیست، بلکه به معنای جامعه‌ای بزرگ متشکل از انسان‌های مختلف با ملیت‌های گوناگون در سرتاسر جهان است که به‌عنوان مخلوقات الهی امتیازی بر یکدیگر ندارند؛

هم‌گرایی: واژه هم‌گرایی در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و اندیشمندان سیاسی دارای گستردگی مفهومی در نظریه‌های مختلف است. رهیافت مورد نظر در این پژوهش، رهیافت لیبرالیسم است که با دیدگاه نگارنده نزدیک‌تر می‌باشد. رهیافت لیبرالیسم در مطالعه روابط بین‌الملل بر امکان همکاری و همیاری و به‌نوعی هم‌گرایی دولت‌ها در سیاست خارجی تأکید می‌کند. این نظریه هرچند با آغاز جنگ جهانی دوم به دلیل غلبه سیاست‌های نظامیگری در روابط بین‌الملل به حاشیه رانده شد، و در حقیقت فروپاشی جامعه ملل نقطه عطفی برای پایان عصر آرمان‌گرایی تلقی گردید (قوام، ۱۳۹۵: ۷۰)، دیدگاه آرمان‌گرایانه لیبرال‌ها همچنان باقی ماند و با فراهم شدن شرایط نوین بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم و آشکار شدن نقش نهادهای بین‌المللی در توسعه همکاری میان دولت‌ها، نهادگرایی لیبرال گسترش یافت و این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری و گسترش نظریه هم‌گرایی در اروپا شد. طبق نظریه آنان، سیاست جهانی دیگر نمی‌توانست مانند گذشته در حوزه انحصاری دولت‌ها باشد. براین اساس از نظر رابرت کوهن و ژوزف نای، اینک باید بر

نقش محوری بازیگرانی مانند گروه‌های ذی‌نفوذ، شرکت‌های فراملی و سازمان‌های بین‌المللی غیرحکومتی نیز توجه خاصی داشت (همان: ۷۱). مطابق نظریه هم‌گرایانه لیبرالیستی، حرکت جهان به سمت وابستگی‌های متقابل، شرایط را برای افزایش همکاری‌های چندجانبه و منطقه‌ای برای کشورها فراهم می‌کند و از این‌رو نوآرمان‌گرایان امکان برقراری صلح به‌صورت آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده را ممکن می‌دانند (همان: ۷۴). نظریه هم‌گرایی لیبرالیستی منجر به ظهور نظریه وابستگی متقابل گردید، اما درحقیقت این وابستگی را یک‌طرفه از سوی کشورهای ضعیف به قدرت‌های سلطه‌گر تعریف می‌کرد؛ درحالی‌که نتایج این پژوهش وابستگی یک‌طرفه را تأیید نمی‌کند. هم‌گرایی مفهومی با ارتباطات متقابل در عرصه بین‌المللی است. جامعه جهانی متشکل از انسان‌های گوناگون با حقوق مساوی است. در این جامعه، آحاد بشر به‌طور واقعی و عادلانه در کنار هم زندگی و ارتباطات مسالمت‌آمیز برقرار می‌کنند؛

تمدن: برای تمدن تعاریف مختلفی ارائه شده است. ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است که شامل پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود» (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳). اما شاید تعریف دقیق‌تر از آن اندیشمندی باشد که تمدن را پدیده‌ای پویا در تاریخ بشر می‌داند که تاکنون در هیچ مقطع تاریخی به حد کمال نرسیده است، ولی احتمال تحقق آن نیز دور از انتظار نیست. تاملین معتقد است: «تمدن حرکت است نه سکون، سفر است نه توقف. هیچ تمدن شناخته‌شده‌ای تاکنون در این سفر به هدفی که تمدن دارد واصل نشده است، اما احتمال دارد معدودی از مردان و زنان برجسته به آن هدف رسیده باشند» (تاملین، ۱۳۸۵: ۴۹).

اندیشه هم‌گرایی در روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام

در نظام بین‌الملل، وجود ادیان، مکاتب و نگرش‌های گوناگون، واقعیتی انکارناپذیر است. قرآن کریم تفاوت دیدگاه‌ها را به‌عنوان یک امر طبیعی در زندگی بشر بیان کرده است. آیات

الهی با اشاره به این نگرش‌های متفاوت، از انسان‌ها خواسته است بر اساس مبانی دینی و اعتقادی خود و اصول مشترک انسانی رفتار کنند (مائده: ۴۴، ۴۷ و ۶۸).^۱ قرآن کریم در عین حال که تنها دین صحیح نزد خداوند را اسلام معرفی کرده است (آل عمران: ۱۹ و ۵۸)، هیچ‌گاه به دنبال تحمیل این دین آسمانی بر انسان‌ها نیست (بقره: ۲۵۶). از نگاه قرآن کریم، سایر پیروان ادیان غیراسلامی اگر واقعاً به خدا ایمان داشته باشند و اعمال نیک انجام دهند، می‌توانند رستگار شوند و پاداش آنها نزد خداوند محفوظ است (بقره: ۶۲).^۲ قرآن کریم همه انسان‌ها را در ابتدا امت واحده‌ای توصیف می‌کند که از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و سپس برای شناخته شدن در قالب گروه‌ها و نژادهای مختلف در کنار هم قرار گرفتند (حجرات: ۱۳). طبعاً اگر لازم بود، خداوند می‌توانست همه مردم را برای همیشه در قالب یک امت و با یک اعتقاد و نگرش قرار دهد، اما بنا به مصالحی این کار را نکرد (هود: ۱۸؛ مائده: ۴۸). به تصریح قرآن کریم، «اگر خدا می‌خواست، همه را مؤمن یا مسلمان می‌آفرید» (یونس: ۹۹)؛ ولی اراده خداوند بر این قرار گرفت که انسان‌ها را آزاد بیافریند و به اختیار خود واگذارد تا هر مسیری که خود می‌خواهند انتخاب کنند و نتیجه آن را نیز مشاهده کنند (کهف: ۲۹). این امر نشان از اصل پذیرش بروز و ظهور ملت‌ها و پیروان عقاید مختلف در عرصه روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام دارد؛ اما این موضوع به معنای

۱. آیه ۴۴: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا؛ ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند به موجب آن برای یهود داوری می‌کردند.»
 آیه ۴۷: «وَأُولَئِكَ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند آنان خود نافرمان‌اند.»

آیه ۶۸: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ؛ ای پیغمبر، [بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید].»

۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ درحقیقت کسانی که [به اسلام] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئان هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد.»

تأیید دشمنی‌ها و ستیزها به دلیل اختلافات طبیعی میان انسان‌ها از سوی اسلام نیست، و در واقع اسلام تعاون و همکاری بین‌المللی بر مبنای نیکی و عدالت را بر تخاصم و ستیز ترجیح می‌دهد (مانده: ۲).

باتوجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت زمانی که وجود نگرش‌ها و سلايق متنوع و متعدد در عرصه روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام پدیده‌ای طبیعی و قابل پذیرش باشد و از سوی دیگر دشمنی و تخاصم نامطلوب تلقی شود، باید راهی برای تعامل مطلوب انسان‌ها با یکدیگر جست‌وجو کرد. اسلام بر وجود شاخص‌هایی مانند عدالت‌خواهی و مساوات‌طلبی به‌عنوان یک ساختار مطلوب در نظام بشری اشاره دارد و این ساختار را از چنان ظرفیت و قابلیت گسترده‌ای برخوردار می‌داند که می‌تواند امکان زیست مشترک جهانی انسان‌ها را در وضعیتی مسالمت‌آمیز فراهم کند؛ زیرا اسلام آیینی جاودانه و فراگیر است. از این‌رو مخاطبان احکام اسلامی نژاد یا گروه خاصی نیستند، بلکه همه انسان‌های عالم برای همیشه تاریخ مخاطب پیام‌ها و مشمول احکام اسلام هستند. از دید اسلام، همه مردم دنیا اعضای خانواده بزرگ اسلام به‌شمار می‌آیند و پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله به‌عنوان آخرین سفیر و فرستاده پروردگار برای همه جهانیان به پیامبری و رهبری برانگیخته شده است. لذا اسلام ارتباط مسلمانان و دولت اسلامی را با دولت‌ها و انسان‌های غیرمسلمان بر اساس منطق فطرت پذیرفته است. قرآن کریم دعوت غیرمسلمانان به توحید را نیز بر اساس خشونت و اجبار نمی‌داند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل: ۱۲۵)؛ [ای پیامبر،] مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن.» خداوند از پیامبرش می‌خواهد با اهل کتاب بر اساس اشتراکات عقیدتی ارتباط برقرار کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل‌عمران: ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد.» بر همین اساس، خداوند از مسلمانان می‌خواهد با غیرمسلمانانی که به دنبال دشمنی ضد مسلمانان نیستند

ارتباط دوستانه و عادلانه برقرار کنند: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)؛ خداوند شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند باز نمی‌دارد. خداوند کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.

ملاک حکومتی پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علی ؑ در ارتباط با عموم انسان‌ها، برخورداری از مشترکات انسانی است و نه صرفاً مسلمان بودن: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَمِنُ أَكْلَهُمْ فَانْهَمُ صَفَانِ: أَمَّا اخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَأَمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ (نهج البلاغه: نامه ۵۳)؛ و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری؛ چه رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر در آفرینش با تو همان‌اند.» بنابراین تعامل و هم‌گرایی میان انسان‌ها در روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام بر اساس آزادی، عدالت و حفظ شخصیت و کرامت ذاتی انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته، و در اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است:

به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

بر همین اساس، رهبری جمهوری اسلامی ایران -چه در دوره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی ؑ و چه در دوره آیت‌الله خامنه‌ای- به تعامل و هم‌گرایی با کشورها و جامعه جهانی به‌عنوان یکی از اصول دیپلماسی نظام اسلامی ایران اشاره کرده است. در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، گفت‌وگو با حفظ احترام به حقوق متقابل و بر اساس حسن نیت و همزیستی مسالمت‌آمیز، روش ارتباطی ایشان در تمام تماس‌ها و ملاقات‌هایی بوده که طی سالیان مسئولیت رهبری، با رهبران و مسئولان دولتی و مردمی جهان داشته‌اند. ملاک ایشان همواره بر مبنای همکاری و هم‌گرایی کشورها و دولت‌های منطقه‌ای و سپس جهانی بوده

است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۱). در این رابطه اصل اولیه بر هم‌گرایی و همکاری مسلمانان و نفی بی‌توجهی ایشان به یکدیگر قرار دارد:

باید مسلمانان در جامعه اسلامی، از حالت بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر خارج بشوند. اینکه مسلمان‌ها با هم کاری نداشته باشند و هر کسی برای خود، دنیای جداگانه‌ای باشد و کاری به کار مسلمان‌های دیگر نداشته باشد، در اسلام پسندیده نیست. ... مسلمان‌ها نسبت به یکدیگر، باید با علاقه و دل‌سوزی و بدون ذره‌ای بی‌تفاوتی، سروکار داشته باشند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۸).

ایشان هم‌گرایی میان مسلمانان را در شرایط کنونی برای مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام ضروری می‌دانند:

امروز دنیای اسلام بیشتر از همیشه احساس نیاز به هم‌گرایی و نزدیکی می‌کند. علت این است که دشمن اسلام و دشمن نظام اسلامی و امت اسلامی چنگ و دندان نشان داده است؛ نه فقط به یک کشور و یک جامعه و جمعی از مسلمانان، بلکه به امت اسلامی. ... امروز عمل استکبار، عمل صهیونیسم و امریکا، نقشه‌های آنها که امروز خیلی هم پوشیده و پنهان نیست نشان می‌دهد که با اسلام دشمن‌اند، با امت اسلامی دشمن‌اند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۵).

ملاک‌ها، عوامل و سطوح هم‌گرایی در روابط بین‌الملل

سیر تحولات روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که امروزه رشد فزاینده‌ای در ارتباطات و تعاملات میان کشورها و ملت‌ها به وجود آمده است. از ابتدای تأسیس دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، بسیاری از نیازهای جوامع بشری با تعامل دولت‌ها با یکدیگر تأمین می‌شد، و امروزه با گسترش و پیچیدگی نیازها، ملت‌ها بیشتر به یکدیگر وابسته شده‌اند. این وابستگی از یک‌سوزمینه‌های همکاری متقابل را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر شکل‌گیری منافع متقابل را فراهم می‌سازد. از دیدگاه اندیشمندان سیاسی، زمانی که وابستگی کشورها به طور متقابل به یکدیگر افزایش یابد، به ایجاد منافع متقابل و مشترک می‌انجامد و منافع ملی نیز تأمین می‌شود (Keohane and Nye, 1977). آنان وابستگی متقابل میان کشورها را به دو شیوه متقارن و نامتقارن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، و نظامی تبیین کرده‌اند:

۱. هم‌گرایی سیاسی

امروزه یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها و عوامل هم‌گرایی در جهان، هم‌گرایی سیاسی میان کشورها در ساختار داخلی و سطوح منطقه‌ای و جهانی است. در منطق اسلام، مسلمانان به منزله یک امت واحد تلقی می‌شوند (آل‌عمران: ۱۰۳) و بر این اساس، جمهوری اسلامی نیز همواره منادی هم‌گرایی و اتحاد مسلمانان جهان بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای هم‌گرایی سیاسی را به‌عنوان نیاز طبیعی دنیای امروز برای تأمین نیازهای متقابل در سطوح مختلف ساختاری، منطقه‌ای و جهانی می‌داند و بر همین اساس نیز اصل وحدت را به‌عنوان عامل حیاتی در هم‌گرایی جوامع اسلامی و غیراسلامی مهم توصیف می‌کند؛ زیرا «در این دنیا [همه] می‌فهمند که هر واحدی، به‌تنهایی قادر بر تأمین نیازهای خودش - از جمله نیاز دفاع از خود - نیست و باید باهم دست به یکی کنند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۵). ایشان درباره هم‌گرایی سیاسی میان کشورهای اسلامی، به تقویت مجامع اسلامی مانند سازمان همکاری اسلامی بر اساس اصول مشترک و توانمندی سازمان‌های اسلامی در ایجاد اتحاد و هم‌گرایی میان مسلمانان و دفع شر دشمنان اسلام از طریق ایجاد بازار مشترک اسلامی اشاره می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۸). درباره شکل‌گیری هم‌گرایی سیاسی میان کل کشورهای جهان - اعم از اسلامی و غیراسلامی - از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مبنای این هم‌گرایی جهانی می‌تواند آموزه‌هایی همچون عدالت، آزادی و احترام به حقوق و رأی مردم در نظام سیاسی باشد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۹)؛ زیرا این آموزه‌ها غالباً به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های بشری مورد توجه همه انسان‌ها قرار داشته است. به‌عنوان مثال عدالت یکی از اصول اولیه اسلام است که اندیشمندان غیرمسلمان نیز در طول تاریخ همواره به آن پرداخته‌اند. در دوران معاصر سه نظریه مهم درباره عدالت از سوی لیبرال‌ها ارائه شده است: جان راولز نظریه عدالت را بر مفهوم حق بنا نهاد که مبتنی بر دو اصل تصدیق حق مساوی برای همه، و برخورداری از آزادی‌های اساسی مثل آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان است (Rawls, 2005).

12-13)؛ رابرت نوزیک با طرح نظریه «عدالت توزیعی»^۱، به طرف‌داری از نظریه اصالت فرد پرداخت (Ralf – Nozick, 2013: 54)؛ و فردریش هایک^۲ نیز با طرح «عدالت اجتماعی»^۳، این نکته را مطرح کرد که حکومت باید در برخورد با افراد به منزله موجوداتی یک‌سان رفتار کند (Barry, 2015: 36; Lister, 2011: 7-9).

۲. هم‌گرایی اقتصادی

یکی از عواملی که ضرورت هم‌گرایی جوامع بشری را پدید آورده، وابستگی اقتصادی کشورها به یکدیگر است. این امر در شرایط مطلوب می‌تواند یکی از عوامل همزیستی مسالمت‌آمیز میان جوامع مختلف باشد. بررسی سطح روابط اقتصادی دوجانبه و چندجانبه دولت‌ها به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم، افزایش وابستگی اقتصاد جهانی را در میان جوامع نشان می‌دهد. با رشد فزاینده همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، نظریات مبتنی بر هم‌گرایی اقتصادی دولت‌ها افزایش یافت و صاحب‌نظرانی مانند دیوید میترانی و امیتای اتریونی با استفاده از تجربه همکاری‌های اقتصادی اروپای غربی، دیدگاه‌های خود را در قالب نظریه کارکردگرایی که معطوف به هم‌گرایی اقتصادی کشورهای اروپایی است ارائه کردند (Mitrany, 1966). نظریات کارکردگرایان مبتنی بر این اصل بود که با تقویت همکاری‌های اقتصادی در میان دولت‌ها، نفع مشترک دولت‌ها در مسائل تجارت بین‌المللی و مبادلات اقتصادی بیشتر ایجاد خواهد شد. دیوید میترانی اعتقاد داشت که دولت‌ها با مشاهده آثار مثبت همکاری در یک حوزه اقتصادی، همکاری‌های خود را در سایر حوزه‌های اقتصادی نیز شروع خواهند کرد و حتی این مسئله چه‌بسا زمینه‌های سیاسی را نیز دربر خواهد گرفت و نتیجه نهایی آن شکل‌گیری دولت جهانی به‌صورت تدریجی خواهد بود. در ادامه، کارکردگرایان نوین ضمن پذیرش فرایند تدریجی هم‌گرایی بر نقش رهبران، دیپلماسی و فرایند دیپلماتیک تأکید کردند که در صورت رفع موانع و محدودیت‌ها می‌توانست به ایجاد

-
1. Distributive Justice.
 2. Friedrich Hayek.
 3. Social justice.

وحدت سیاسی میان دولت‌ها بینجامد (قوام، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۵۰). هم‌زمان با حرکت کشورها به سمت هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای، ادبیات منطقه‌گرایی تقویت، و تلاش شد زمینه‌ها و رویکردهای مربوط به همکاری‌های جمعی و توجه به منافع متقابل در قالب منطقه‌گرایی مطالعه شود. در کنار نظریات کارکردگرایانه، دیدگاه‌های دیگری که بر همکاری اقتصادی دولت‌ها تأکید کرده‌اند مربوط به نهادگرایان لیبرال است. این دیدگاه ضمن پذیرش نظم موجود، در راستای بهبود آن گام برمی‌دارد. نهادگرایی لیبرال معتقد به همزیستی نظام دولت‌ها و اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است (کاکس، ۱۳۷۱: ۴۷). نهادگرایان نئولیبرال نیز هم‌گرایی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را رو به افزایش می‌دانند (قوام، ۱۳۹۵: ۳۵۳). با توجه به این مطلب در آموزه‌های لیبرالی و ایدئالیستی، تحلیل نظام بین‌الملل بر اساس هم‌گرایی، همکاری و تعاون اهمیت می‌یابد و کشورها به دلیل آسیب‌پذیری دوجانبه، ناگزیر به تأمین منافع متقابل از طریق تعاملات اقتصادی‌اند. در این راستا همچنین می‌توان به رشد فزاینده اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای مانند «آ.س.آن»، «نفتا»، «آپک»، «اگو» و حرکت به سمت بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای در فرایند جهانی شدن اقتصاد اشاره کرد که حاکی از تحولات اقتصادی در منطقه و جهان است و بر نیازهای مشترک دولت‌ها، منافع مشترک و لزوم همکاری و روابط مسالمت‌آمیز جهانی تأکید می‌کند. به تعبیر ژاک هونتزینگر، «دولت‌ها ناچارند راه پیشرفت و رفاه اقتصادی و اجتماعی را در پیش گیرند و به این منظور، به گونه‌ای غیرقابل‌برگشت در طریق همکاری بین‌المللی و وابستگی متقابل جوامع گام خواهند برداشت» (هونتزینگر، ۱۳۷۶: ۲۰۵).

در میان جوامع اسلامی، ایده بازار مشترک اسلامی از راهکارهای هم‌گرایی اقتصادی است که بارها از سوی آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۸). در این ایده می‌توان از طریق ایجاد نمایندگی‌های فروش مشترک همکاری‌های پولی و مالی میان کشورهای مسلمان، حذف تعرفه‌های گمرکی در روابط تجاری میان کشورهای اسلامی، برنامه‌ریزی جهت ایجاد سیاست‌های تعرفه‌ای همسان و مشترک در خصوص واردات از سایر کشورهای جهان و... را محقق کرد. آیت‌الله خامنه‌ای

تقویت روابط هم‌گرایانه اقتصادی از سوی جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه با کشورهای دوست نظام اسلامی را مهم ارزیابی می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۲۵). ایشان درباره رابطه با کشورهای نه‌چندان متخاصم مانند کشورهای اروپایی می‌فرمایند: «روابط را با اروپا هر چه می‌توانیم، به آن صورت و آن قیمتی که برایمان می‌ارزد، نه به هر قیمتی تعمیق کنیم» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲۷).

در نهایت دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص سیاست هم‌گرایی اقتصادی را باید در حفظ اصول و تأمین منافع مشترک میان دولت‌ها تحلیل کرد؛ زیرا میزان منافع هر کشور به سطح قدرت و میزان آسیب‌پذیری آن کشور نیز بستگی دارد. در این شرایط کشورهای ضعیف همواره در معرض تهدید و کاهش منافع اقتصادی قرار خواهند داشت و برای پرهیز از این وضعیت، ناگزیر به پذیرش خواست قدرت‌های برتر و تضعیف استقلال خویش خواهند بود. از این رو این سیاست با تحقق شرایط لازم و تعادل قدرت کشورهای منطقه و جهان کاربرد بهتری خواهد یافت.

۳. هم‌گرایی فرهنگی و اجتماعی

حرکت به سمت جهانی شدن در عصر حاضر که توجه به نیازهای مشترک و منافع متقابل و در کل ایجاد تحول در نظام بین‌الملل را ضروری ساخت، قلمرو تعاملات و تبادلات ارزشی، فرهنگی و اجتماعی جوامع را نیز دربرگرفت و وابستگی‌های فرهنگی متقابل را افزایش داد. در چنین شرایطی به موازات نقش دولت‌ها در چهارچوب مرزهای ملی، علقه‌های جمعی بین‌المللی و فرامرزی در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز افزایش یافته است. حتی برخی معتقدند امروزه به دلیل پیدایش جامعه شبکه‌ای، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی نوینی در حال شکل‌گیری است که با گذشته متفاوت است. از دیدگاه ایشان در شرایط جدید، احساس هویت صرفاً مربوط به قلمرو سرزمینی و ملی نیست، بلکه هویت‌های فراملی و جهانی اهمیت می‌یابد (Reichman, 1955: 93-108)؛ اتفاقی که از دیدگاه رابرت ماندل می‌تواند موجب آشفتگی در مدیریت مسائل امنیتی، فرهنگی و سیاسی مشترک و حتی سلطه هرج‌ومرج (آنارشسی) شود (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۶). از دیدگاه

جامعه‌شناسان، این وضعیت را بیشتر باید مربوط به مدرن شدن جوامع دانست؛ زیرا از منظر جامعه‌شناختی، انتقال جوامع سنتی به جوامع مدرن افزایش وابستگی‌های اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشته است (هوتزینگر، ۱۳۷۶: ۲۳۲).

رهبری جمهوری اسلامی ایران، چه در زمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و چه در دوره آیت‌الله خامنه‌ای، اصل هم‌گرایی فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها در نظام بین‌الملل را در چهارچوب قواعد و ارزش‌های انسانی و الهی همواره مهم دانسته و برای تحقق این اصل که می‌تواند به گسترش امنیت و صلح بین‌المللی بینجامد، تلاش کرده است؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران بیش از آنکه یک انقلاب سیاسی باشد، یک انقلاب فرهنگی-اجتماعی مبتنی بر تحول در درون انسان‌ها بوده است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، عوامل متعددی در این راستا می‌تواند در هم‌گرایی فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها - اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان - مؤثر باشد. مطالعه و بررسی دیدگاه‌های ایشان حاکی از آن است که مهم‌ترین عامل هم‌گرایی فرهنگی و اجتماعی مورد نیاز برای جامعه امروز بشری، عامل دین و معنویت در جهان است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۱۹). ایشان در تبیین معنویت واقعی مورد نیاز بشر می‌فرمایند:

معنویت باید بر محور توحید و نگرش توحیدی بنا گردد. در غیر این صورت، احساس به ظاهر معنوی که به انسان عارض می‌شود، حالتی است که به تعالی معنوی انسان هیچ کمکی نمی‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴).

توحید مبنای زندگی معنوی است و اعتقاد به وحدانیت خداوند باید به قاعده زندگی تبدیل شود (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۹).

چنین نگرشی اگر زیربنای حرکت معنوی انسان قرار گیرد، ضامن تداوم فضایل اخلاقی در افراد گردیده و به تداوم معارف انبیا - که همان کلمه توحید است - منتهی خواهد شد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۵).

از دیدگاه ایشان مشکل انسان امروزی خردورزی جدا از دین و معنویت است که زمینه انحرافات اجتماعی و جدایی انسان‌ها از یکدیگر را به وجود آورده است. لذا باید تقویت نیروی عقل و خرد که از اصول مشترک همه جوامع بشری است مورد توجه قرار گیرد. اما

ایشان خردورزی را به معنای اکتفا به عقل و به حاشیه راندن شریعت نمی‌دانند. انسان معنوی «باید تقوای فکر و عقل داشته باشد؛ یعنی عقل را از انحراف نگه داشتن، از خطاها و لغزش‌ها بازداشتن، از تعطیل و بیکارگی نجات دادن، و خرد را در امور زندگی به کار بستن» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸). در این صورت، عقل انسان را به دین راهبرد می‌دهد: «انسان را به دین می‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت و ادا می‌کند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل دادن به دنیا باز می‌دارد. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۹).

معنویت واقعی هیچ‌گاه انسان را از مسئولیت‌پذیری در برابر اجتماع باز نمی‌دارد، بلکه او را متعهد به سرنوشت انسان‌های دیگر می‌داند و تلاش انسان‌ها را تا رسیدن به استقرار عدالت کامل در جهان و حفظ حقوق همه انسان‌ها مورد توجه قرار می‌دهد:

امروزه در عرفان‌های وارداتی شعار دوری از مسئولیت‌های انسانی و اجتماعی سر داده می‌شود و با نام «حمایت از صلح»، شعار «عدم مبارزه با ظلم و جنگ» فریاد می‌شود. در اسلام، انسان معنوی انسان بریده از اجتماع و بی‌درد نیست. مسئولیت انسان معنوی از تعهد نسبت به آسمان و طبیعت و زمین شروع شده و تا مسئولیت نسبت به انسان‌ها ادامه دارد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱).

نجات انسان‌های مظلوم و مستضعفان و مبارزه با استکبار، آرمان‌هایی است که انسان معنوی در پی تحقق آن است. چنین آرمان‌هایی به هم‌گرایی فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها در سایه صلح و عدالت منتهی خواهد شد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۸ و ۱۳۶۸/۴/۱۰).

۴. هم‌گرایی نظامی-امنیتی

امروزه تحقق نظم مطلوب جهانی بدون ایجاد نوعی هم‌گرایی عادلانه در عرصه نظامی و امنیتی جهان متصور نیست. در حال حاضر این سیاست در ذیل اهداف منفعت‌طلبانه نظام سلطه تعریف می‌شود و قدرت‌های استکباری تلاش می‌کنند با ایجاد هم‌گرایی نظامی میان خود و شرکای دست‌نشانده خویش در مناطق مختلف جهان، نظم دلخواه خویش را با

برتری نظامی در روابط بین‌الملل محقق سازند. این سیاست همواره مورد نقد رهبران جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون قرار داشته است. آیت‌الله خامنه‌ای ملاک هم‌گرایی نظامی و امنیتی در روابط بین‌الملل را توجه به مبانی دینی و مصالح و ارزش‌های انسانی و اسلامی می‌دانند. از دیدگاه ایشان، هم‌گرایی نظامی و امنیتی در روابط بین‌الملل بر مبنای اصولی مشخص قابل پذیرش است:

الف) تکیه بر اصول مشترک

در روابط بین‌الملل یک سری اصول مشترک وجود دارد که همه انسان‌ها فارغ از هر دین و آیینی، آنها را می‌پذیرند. ایشان در تبیین برخی از این اصول می‌فرمایند:

اقامه عدل، حمایت از مظلوم، مواجهه با ظالم و طرف‌داری از حق در همه شرایط، الگویی است که باید از آن تبعیت شود. این کهنگی بردار هم نیست و در همه شرایط گوناگون علمی و اجتماعی دنیا می‌تواند برای خوشبختی و سعادت انسان‌ها الگو باشد. ... دفاع از مظلوم همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند و پافشاردن بر حقیقت، ارزش‌هایی است که هیچ‌وقت در دنیا کهنه نمی‌شود. در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون، این خصوصیات همیشه با ارزش است. ما اینها را باید دنبال کنیم. اصول اینهاست (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۲۱ رمضان ۱۳۸۰).

ب) همکاری جمعی برای نابودی تسلیحات کشتار جمعی

به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی که به نابودی انسان‌های بی‌گناه می‌انجامد در دکترین نظامی آیت‌الله خامنه‌ای جایگاهی ندارد و لذا ایشان خواستار اتحاد همه کشورها برای نابودی این سلاح‌ها هستند. ایشان در پیامی به اولین کنفرانس خلع سلاح که در فروردین ۱۳۸۹ در تهران برگزار شد و متن آن پیام نیز به‌عنوان سند سازمان ملل متحد به ثبت رسید، فرمودند:

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این‌گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را

در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم.

پ) پرهیز از ائتلاف نظامی-امنیتی با نظام سلطه

ملاک هم‌گرایی نظامی و امنیتی در روابط بین‌الملل از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به مبانی دینی و ارزش‌های انسانی و اسلامی است. به دنبال حوادث یازدهم سپتامبر، بسیاری از جریان‌های سیاسی داخلی اصرار داشتند که ایران از این فرصت ضد رژیم متجاوز صدام استفاده کند و در قالب هم‌گرایی با آمریکا، در ائتلاف بزرگ ضدتروریستی که در آن زمان تبلیغات گسترده‌ای روی آن انجام شد، شرکت نماید. در مقابل برخی نیز پیشنهاد ائتلاف نظامی با صدام ضد آمریکا می‌دادند. اما رهبر معظم انقلاب با توجه به لایه‌های درونی این اتفاقات و انگیزه نظام سلطه از این ائتلاف از یک سو و متجاوز بودن رژیم بعث عراق از سوی دیگر، سکان سیاست خارجی ایران را به سمت عدم ائتلاف با آمریکا و متحدانش و رژیم صدام هدایت کردند. رخدادهای بعدی نشان داد که این سیاست مدبرانه بیشترین دستاوردها را برای منافع ملی به همراه داشت.

نظم مطلوب جهانی در چشم‌انداز تحقق تمدن نوین اسلامی

مرحله دوم در نظام آرمانی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای در روابط بین‌الملل که به‌نوعی در تداوم مسیر مرحله اول می‌باشد، مرحله‌ای است که با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از طریق تأسیس حکومت عدالت‌گستر مهدوی در جهان تحقق می‌یابد. تمدن اسلامی با بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکه و سپس با تشکیل حکومت در مدینه آغاز شد و از همان ابتدا با دستاوردهای مختلفی که در زمینه‌های گوناگون به دست آورد، توانست به سرعت جایگاه والایی به خود اختصاص دهد، اما با گذشت زمان به دلیل دوری مسلمانان از ارزش‌های دینی زیر سلطه حاکمان دنیا طلب، تمدن مسلمانان دچار رکود شد که تا قرن‌ها ادامه یافت. حلقه‌های مفقودشده در زندگی انسان امروزی سعادت، عدالت، امنیت و آرامش روحی و معنوی است که به‌عنوان نیازهای حقیقی او در جهان معاصر مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. بر اساس دیدگاه مشترک تمام ادیان آسمانی به‌ویژه دین اسلام، دوره‌ای خواهد رسید که تمدن اسلامی در بالاترین حد تکامل خود، به تمام نیازهای مادی و معنوی بشر پاسخ خواهد داد. آیت‌الله خامنه‌ای در توصیف این دوره می‌فرمایند:

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. ... دوران ظهور حضرت بقیة اللہ اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴).

ویژگی‌های این نظم نوین بین‌المللی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، شکل‌گیری دولت واحد جهانی و تحقق آرزوی دیرین بشری مبنی بر تکامل و پیشرفت در کنار گسترش عدالت، معنویت و کرامت انسانی است.

الف) تأسیس دولت واحد جهانی

بسیاری از نظریه‌پردازان تحقق نظم مطلوب جهانی و حاکمیت صلح و آرامش پایدار در جهان را در گرو حذف مرزهای ملی و تشکیل حکومت واحد جهانی دانسته‌اند. از دیدگاه طرف‌داران حکومت واحد جهانی، تفکرات ناسیونالیستی و وطن‌پرستی ریشه غالب جنگ‌های بین‌المللی است. از این رو از دیدگاه ایشان، تنها راه چاره حذف مرزهای ملی و نظام دولت‌های مستقل با حاکمیت ملی و جای‌گزینی آن با حکومت جهانی است. در این شرایط، منافع ملی خاصی وجود ندارد تا به تشدید کشمکش‌های بین‌المللی منجر شود، بلکه به دلیل وجود منافع عام و همگانی در دولت جهانی، تقسیم عادلانه رفاه و امنیت برای تمام جهانیان فراهم می‌شود و از این رهگذر زمینه‌ها و محمل‌های مخاصمات از بین خواهد رفت (بوتول، ۱۳۶۸: ۳۳). در مقابل، برخی دیگر به نظریه حکومت واحد جهانی در شرایط موجود انتقاداتی وارد می‌دانند؛ از جمله اینکه در حال حاضر جهان با گرایش‌های قومیت‌گرایی شدیدی مواجه، و طی سال‌های اخیر بر تعداد کشورهای مستقل افزوده شده است. از سوی دیگر، قوام هر حکومتی به پشتوانه خواست عموم مردم است. جهان امروز با فرهنگ‌ها و سنت‌های بسیار گوناگون مواجه است؛ به طوری که نمی‌توان همه آنها را تحت حاکمیت یک حکومت واحد جهانی با قوانین یک‌سان قرار داد. بنابراین نتیجه چنین حکومتی جز اغتشاش و ناامنی بیشتر در جهان نخواهد بود (بهزادی، ۱۳۷۳: ۱۷۱). بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای نیز حکومت جهانی را پس از فراهم شدن شرایط لازم، بر مبنای اصولی معین قابل تحقق دانسته‌اند:

اول. برقراری نظام حقوقی عادلانه بین‌المللی

اسلام پیروی از نظام حقوقی مبتنی بر عرف و قراردادهای بین‌المللی را بر اساس اصل برابری، حق و عدالت و احترام متقابل لازم می‌شمرد. در این مرحله، اصول تفاهم بین‌المللی به معنای تکیه بر قدر مشترک‌ها و اصول موضوعه، مشارکت و تعاون در مسائل بین‌المللی، برابری دولت‌ها در استیفای حق آزادی، استقلال و حاکمیت، نفی تجاوز، حمایت از مبارزات حق طلبانه و آزادی خواهانه، پایبندی به قراردادهای بین‌المللی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مبنای روابط صلح‌آمیز دولت‌ها و ملت‌هاست (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۴۲۶-۵۰۸). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به ضرورت پایبندی همه دولت‌ها به این اصول از جمله قراردادهای بین‌المللی، عدم تعهد به این امر را نشانه فروپاشی اخلاق سیاسی در جهان می‌دانند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

دوم. دعوت جهانیان به ارزش‌های مشترک انسانی و الهی

در اندیشه اسلامی، با بهره‌گیری از استراتژی «دعوت به ارزش‌های الهی و انسانی» برای آگاه‌سازی و رهایی بخشی ملت‌ها و از میان بردن سلطه استکبار، زمینه تشکیل حکومت جهانی واحد، فراهم شده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۸-۵۹). آیت‌الله خامنه‌ای به این نکته اشاره می‌کنند که تمام پیامبران انسان‌ها را به اصول مترقی انسانی دعوت کرده‌اند؛ اصولی مانند «عدالت، آزادی، برابری، علم، پیشرفت بشر، یک‌پارچگی جامعه انسانی، مبارزه با خرافات و... اینها حرف‌های انبیای خداست» که هرگز کهنه نمی‌شوند و در همه دوره‌ها کاربرد دارند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۳)؛ زیرا «کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان خرسند نشود و آن را آرزو نکند؟» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۳).

ب) تکامل و پیشرفت جهانی همراه با گسترش عدالت، معنویت و کرامت انسانی

در نظم نوین جهانی، آرزوی دیرین بشر مبنی بر تکامل و پیشرفت عمومی، همراه با گسترش عدالت، معنویت و کرامت انسانی تحقق می‌یابد. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، این آرزو متعلق به همه انسان‌های عالم است و اساس حکومت جهانی مهدوی که برای گسترش

عدالت و حفظ کرامت انسانی در جهان است، به اشکال گوناگون در تمام ادیان الهی و مذاهب اسلامی وجود دارد، ولی آنچه در میان شیعیان شهرت دارد، یک بنای حقیقی و منطقی بر اساس داده‌های فراوان تاریخی و روایی است:

اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۲۷).

[بنابراین] مسئله مهدویت... مخصوص شیعه نیست. همه مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه حکومت حق و عدل به وسیله مهدی علیه السلام است قبول دارند. ... منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله مهدویت در آن یک مسئله مبهم نیست؛ یک مسئله پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد نیست؛ یک مسئله روشن است. مصداق واضحی دارد که این مصداق را می‌شناسیم (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۸).

از دیدگاه ایشان، تحقق چنین مرحله‌ای در تمدن نوین اسلامی، به طور حتم وقوع خواهد یافت و این دوره دارای اصول و ویژگی‌هایی می‌باشد:

اول. عدالت‌گستری

آیت‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین ویژگی جامعه جهانی مهدوی در تمدن نوین اسلامی را گسترش عدالت در جهانی می‌دانند که مسئله فقدان عدالت در آن بزرگ‌ترین معضل بشر به‌شمار می‌رود (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰). عدالت از دیدگاه رهبر انقلاب، بزرگ‌ترین خواسته بشر می‌باشد و آنچه اهمیت آن را بیشتر می‌کند این است که غرض اصلی تمام فرستادگان الهی، گسترش توحید در عالم همراه با عدالت بوده است؛ زیرا بدون عدالت توحید معنایی ندارد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۴؛ بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۳). اهتمام آیت‌الله خامنه‌ای به مسئله عدالت در جهان، ایشان را بر آن داشته تا رشد و پیشرفتی را که بدون عدالت به دست می‌آید بی‌فایده بدانند؛ زیرا فایده چنین پیشرفتی فقط متوجه افرادی ویژه‌خوار و انسان‌های زیاده‌خواه می‌شود و چنین چیزی مورد قبول نظام اسلامی نیست (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۵).

دوم. حکومت مردمی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از ویژگی‌های مهم حکومت جهانی مهدوی علیه‌السلام، مردمی بودن حکومت به معنای واقعی است:

حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی مردمی بودن و دمکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰).

ایشان از این حکومت مردمی با عنوان نظام «مردم‌سالاری دینی» یاد می‌کنند؛ یعنی «مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به‌وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و اراده مردم در سایه هدایت الهی هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۰، ۱۳۷۹/۹/۱ و ۱۳۸۰/۵/۱۳).

مردمی بودن حکومت اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب، با حکومت مردمی مورد ادعای غرب (دمکراسی غربی) که دارای اشکالات گسترده از جمله تقلب و تحریف در روند تحقق خواست ملت می‌باشد، متفاوت است (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۵، ۱۳۷۹/۸/۲۸ و ۱۳۸۰/۶/۱۵)؛ زیرا «مردم‌سالاری غربی یک پایه فکری متقن که بشود به آن تکیه کرد ندارد؛ اما مردم‌سالاری دینی پایه‌اش پایه دینی است. لذا پاسخ روشنی دارد. در مردم‌سالاری دینی و در شریعت الهی این موضوع مطرح است که مردم باید حاکم را بخواهند، تا او مورد قبول باشد و حق داشته باشد که حکومت کند» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۶).

بنابراین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، حکومت مردمی واقعی، فقط در قالب «مردم‌سالاری دینی» است و البته تحقق واقعی حکومت مردم‌سالاری دینی در جهان نیز فقط در دوره حاکمیت حکومت جهانی مهدوی علیه‌السلام خواهد بود: «امام زمان، تنها دنیا را پر

از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳۰).

سوم. ارتقای کیفیت زندگی و اندیشه انسانی

آیت‌الله خامنه‌ای چشم‌انداز آینده بشر را به سوی خیر و صلاح و پیشرفت در همه ابعاد زندگی بشر و حاکمیت حکومت حق توصیف می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۷). این همان چشم‌اندازی است که همه پیامبران الهی تحقق آن را وعده داده‌اند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند در این دوره، هم اندیشه علمی بالا می‌رود که به‌وسیله آن میزان بهره‌مندی بشر از طبیعت و مواهب آن به بالاترین سطح خود می‌رسد و هم اندیشه دینی ترقی می‌کند و بیشتر اعضای جامعه به حقایق و معارف دینی دسترسی می‌یابند (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۱). ایشان البته ایجاد آمادگی و اقدامات بشر برای تحقق این دوره را نیز ضروری می‌دانند؛ زیرا اساساً مسئله ظهور از دیدگاه ایشان امری است که باید زمینه‌های آن فراهم شود؛ و الاً مانند تمام دیگر تلاش‌های فرستادگان الهی، چندان نتیجه‌بخش نخواهد بود (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۲۵).

نتیجه‌گیری

نظام آرمانی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای در روابط بین‌الملل را در دو مرحله می‌توان مورد توجه قرار داد:

مرحله اول در چهارچوب هم‌گرایی جهانی و تأسیس یک جامعه ایدئال بین‌المللی تحقق می‌یابد؛ جامعه‌ای که ساکنان آن حتی‌المقدور در سایه عدالت و امنیت زندگی کنند. با توجه به وجود نگرش‌ها و سلايق متنوع و متعدد در عرصه روابط بین‌الملل که اندیشه اسلامی نیز آن را پدیده‌ای طبیعی و قابل پذیرش دانسته است، باید در این شرایط راهی برای تعامل مطلوب انسان‌ها با یکدیگر جست‌وجو کرد. اسلام ارتباط مسلمانان و دولت اسلامی را با دولت‌ها و انسان‌های غیرمسلمان بر اساس منطق فطرت پذیرفته است. اسلام بر وجود شاخص‌هایی مانند عدالت‌خواهی و مساوات‌طلبی به‌عنوان یک ساختار مطلوب در نظام

بشری اشاره می‌کند و این ساختار را از چنان ظرفیت و قابلیت گسترده‌ای برخوردار می‌داند که می‌تواند امکان زیست مشترک جهانی انسان‌ها را در وضعیتی مسالمت‌آمیز فراهم کند. بر همین اساس، رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز به تعامل و هم‌گرایی با کشورها و جامعه جهانی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در چهارچوب موازین مشخص به‌عنوان یکی از اصول دیپلماسی نظام اسلامی ایران اهتمام می‌ورزند. هم‌گرایی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای برخلاف نظریه هم‌گرایی لیبرالیستی که منجر به ظهور نظریه وابستگی از سوی کشورهای ضعیف به قدرت‌های سلطه‌گر شد، در جامعه جهانی واقعی و یک‌دست تحقق می‌یابد که در آن آحاد بشر به طور واقعی و عادلانه در کنار هم زندگی، و ارتباط مسالمت‌آمیز با یکدیگر برقرار می‌کنند.

در مرحله دوم، نظم مطلوب جهانی از طریق شکل‌گیری تمدن نوین جهانی در قالب اسلامی و تأسیس حکومت عدالت‌گستر مهدوی علیه‌السلام تحقق می‌یابد. بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در این دوره تمدن اسلامی در بالاترین حد تکامل خود، به تمام نیازهای مادی و معنوی بشر پاسخ خواهد داد. ویژگی این دوره که در قالب نظم نوین جهانی بر اساس «تمدن نوین اسلامی» تحقق می‌یابد، شکل‌گیری دولت واحد جهانی و تحقق آرزوی دیرین بشر مبنی بر تکامل و پیشرفت همراه با گسترش عدالت، معنویت و کرامت انسانی است؛ دوره‌ای که پس از فراهم شدن شرایط و بسترهای لازم تحقق خواهد یافت؛ لکن به گفته ایشان: «همه ما موظفیم به دنبال فراهم نمودن زمینه ظهور و بسترسازی برای تحقق حکومت جهانی مهدوی باشیم. تکلیف ما ایجاد این آمادگی است.»

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

بهزادی (مددی)، حمید (۱۳۷۳). اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، کتاب‌فروشی دهخدا.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای:

تاملین، فردریک (۱۳۸۵). گزیده آثار نوین بی، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر.
کاکس، رابرت (۱۳۷۱). «چندسویگرایی و نظم جهانی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، س ۷،
ش ۳ و ۴، آذر و دی.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران،
پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هونتزینگر، ژاک (۱۳۷۶). درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه عباس آگاهی، مشهد، آستان
قدس رضوی.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلام، تهران، امیرکبیر، ج ۳.
قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران، سمت.
بوتول، گاستون (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، سازمان
انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۰). تاریخ تمدن، ترجمه سهیل آذری، تهران، انتشارات علمی و
فرهنگی.

Bader, Ralf M. (2013). *Robert Nozick*, London, Bloomsbury Academic.

Barry, Norman (2015). *Hayek's Theory of Justice*, Hamburg, Springer International Publishing
AG. Part of Springer Nature.

<http://www.chomsky.info/articles/-/htm>, 2002.

<http://www.theguardian.com/commentisfree/whatthehellistheinternati> 24/Aug/2012.

<http://www.thenewstribune.com/srael-us-violators-of-international-law-says-noam-chomskiy>, 14-6-
2012.

Keohane and Nye J (1977). *Power and Interdependence: world politics in transition*, Boston:
Little, Brown.

Lister, Andrew (2011). *The 'Mirage' of Social Justice: Hayek Against (and for) Rawls*, University
of Oxford, CSSJ Working Papers Series, p. 7-9.

Mitrany David (1966). *A working Peace system*, Chicago: Quadrangle Books.

Rawls, John (2005). *Political Liberalism*, New York, Columbia University Press.

Reichman, John (1955). *The Identity in Question*, London, Rautledge.